

رویداد x هفته

بحران در لنوازان، خروج فلاحی پور از پروژه جهان پیر است و بی بنیاد؟! **جهان پیر است و بی بنیاد؟! **جهان پیر است و بی بنیاد؟! **جهان پیر است و بی بنیاد! **جهان پیر است و بی بنیاد!********

«هزار نکته خصوصی از زندگی شاهرخ استخری»، «سحر قریشی قورمه‌سبزی بدون لیمو عمانی دوست ندارد»، «سیاوش خیرابی از علاقه‌اش به رئال زاراگوزا می‌گوید». «پلدا چه بلایی سر بهزاد می‌آورد؟»، «مهنجاب را چه می‌شود؟»، «تهیه فیله استیک ماداگاسکار به روایت حدیث میرامینی» و...

الان کافی است یک تک یا تشریف برید کیوسک سر کوجه تا چشمتان به انواع و اقسام فیگورهای جوان‌های سریال «لنوازان» منور شود؛ شاهرخ استخری (بهزاد)، سیاوش خیرابی (رامین)، سحر قریشی (پلدا) و حدیث میرامینی (روشنک) تمام اجلا (جمع جلد) نشریات را قرق کرده‌اند. با این اوضاع شاید ما هم اگر جای پرویز فلاحی پور (جهان) بودیم قات می‌زدیم که این چه وضعیت است؛ پدرمان دارد در این سریال درمی‌آید؛ آن وقت این چهار تا فینگیل بچه، خودشان را برای ما و ملت می‌گیرند و کلاس می‌گذارند.

خلاصه انتقادات پرویز فلاحی پور باعث شد تا حسین سهیلی زاده (کارگردان) و بقیه عوامل مقداری نقش جهان را پررنگ‌تر کنند اما باز هم اتفاقی نیفتاده، استاد هم شاکمی شده و قهر کرده و رفته و سازنده‌ها دیده‌اند جا تر است و دستشان در پوست گردوست.

با این اوضاع، الان فیلم‌برداری قسمت‌های پایانی در حالی دارد انجام می‌شود که بیشتر تصاویر جهان از پشت سر و توسط بدل انجام می‌شود و نقش او کم‌رنگ‌تر خواهد شد. حالا شناس بیابورید در روزهای آینده فریبا کوثری و عبدالرضا اکبری پروژه را اول نکنند و الا سریال باید با چهار تا جک و جوون هم بیاید ■



و کلی ایده و سوژه داریم، جهت تسریع در راه‌اندازی این شبکه داریم چند برنامه تفریحی را خدمتتان ارائه می‌دهیم.

- مسابقه سرچ و دانلود فایل‌های تصویری اینترنتی با اجرای کامران نجف‌زاده
- مسابقات تک چرخ‌زدن با موتور در معابر پر تردد
- وسطی
- دستش ده
- مسابقات آشپزی با محوریت تعداد و جب روغنی که روی آتش است
- مسابقات کوهنوردی با هدف صعود به قله‌های افتخار
- مجموعه برنامه نقد سازنده از دیگر برنامه‌ها
- مسابقات هفت سنگ
- صندلی بازی
- مسابقه زنده تلفنی «منج»
- امضا بازی ■

خبر و تکذیب خبر دزدیدن سریال پرانتر باز **راش من کجاست؟**

هفته قبل خبر سرقت راش‌های سریال «پرانتر باز» کیومرث پوراحمد (همان فیلم‌های تدوین نشده) از دفتر مجری طرح، موجی از شادی در دل ما ایجاد کرد چون یک خبر داغ داشتیم. اما چند روز بعد مدیر گروه فیلم و سریال شبکه پنج این خبر را تکذیب کرد و گفت راش‌ها از این دفتر به یک دفتر دیگر منتقل شده تا مراحل تدوین آنجا انجام شود.



سؤال اول: چرا این انتقال بدون اطلاع مجری طرح انجام شده؟

جواب سؤال اول: برای اینکه می‌خواستند طرف نفهمد.

سؤال دوم: این انتقال برای چی انجام شده؟

جواب سؤال دوم: احتمالا می‌خواهند جوری تدوین کنند که دوست‌دارند.

اما ادامه ماجرا اینکه خبر ۲۰:۳۰ و برنامه صبحگاهی شبکه پنج فقط خبر اول را انعکاس داده و پیش‌بینی کرده‌اند که به زودی این سریال سر از ماهواره‌های خارجی در بیابورد و اصلا ماجرای تکذیبیه را رو نکرده‌اند. اولاً مگر شبکه‌های ماهواره‌ای این قدر کفگیرشان به ته دیگ خورده که راش‌های یک سریال را پخش کنند. خب می‌گذارند مثل بقیه سریال‌ها،

ساخته و تدوین و پخش شود بعد بدزدند. دوم اینکه آدم واقعا لذت می‌برد می‌بیند این بچه‌های خبر صدا و سیما سرشان تو کار خودشان است، دارند فیلم بازی‌های جوانمردانه از اکس را از یوتیوب دانلود می‌کنند، اهل تجسس و پیگیری نیستند و برای صحت خبر حتی دو اتاق آن طرف‌تر هم نمی‌روند ته و توی آن را در بیابورند تا این جوری نشود. حالا فکرش را بکنید این عزیزان این طوری درباره خودشان خبررسانی می‌کنند، چه جوری خبرهای بقیه را پوشش می‌دهند ■

نام جدید ۹۰ سینمایی هم مشخص شد **عدها و برنامه‌ها**

مدیر گروه اجتماعی شبکه سه از تولید یک برنامه شبیه ۹۰ با موضوع مباحث چالشی حوزه فرهنگ و هنر خبر داده. آن طور که شریعت پناهی گفته برنامه‌زنده «هفت» به تهیه‌کنندگی فریدون جبرانی روی آنتن می‌رود و البته مجری آن هنوز مشخص نشده است.



در همین راستا یک برگ ماموریت برای کار گروه مستقر در اتاق فکر تحریریه رویداد در هفته سینمایی (عنوان کار گروه را حال کردید؟) پر کردیم که بروند چند تا طرح راهبردی و کاربردی بنویسند. عین «۹۰» و «۷». نتیجه مطالعات شبانه‌روزی و تحقیق‌های طاقت‌فرسای آن گروه مذکور درباره موضوع مزبور، همین فهرستی است که ما منتشر می‌کنیم تا بعداً هر کسی این برنامه‌ها را ساخت برویم اقامه دعوی کنیم و بگوییم از روی طرح ما دزدیده‌اند:

- ۸ میلیارد: بررسی علل، راهکارها و عوامل رکوردشکنی فیلم سینمایی اخراجی‌ها ۲. مجری: امیر دودو. کارشناس: مسعود دهنمکی
- ۶۳: بررسی مسائل سیاسی روز با یک بخش ویژه به نام انتخابات ریاست جمهوری. مجری: اسفندیار رحیم‌مشایی
- ۲: برنامه‌های چالشی و گفت‌وگو محور درباره امکان حضور و ادامه خدمت دوشغله‌های ورزشی. مجری و کارشناس: مهندس علی آبادی
- ۴۴: برنامه‌های گفت‌وگو محور با هدف بررسی چگونگی تبیین و اجرای خصوصی‌سازی با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی. مجری: رئیس سازمان بورس. کارشناس: خریداران سهم ۵۱ درصدی مخابرات
- ۱۰۰ میلیون: برنامه‌های درباره تماشاگر سازی در سینما با توجه به تعداد محدود سینماها^(۱)

(۱) معاون سینمایی وزارت ارشاد گفته بود سینمای ایران باید سالانه ۱۰۰ میلیون تماشاگر داشته باشد ■

پسر عمه زادر سینما

یک منبع که خودش را به آگاهی می‌زد و می‌خواست نامش فاش نشود ولی ما این کار را نمی‌کنیم به خبرنگار ما گفت فیلم سینمایی کلاه قرمزی ۳ به اسم «بچه ننه» وارد مرحله پیش تولید شده. این منبع که راست و دروغ خبر هایش پای خودش است و ما گناه کسی را نمی‌شویم ادامه داد: «در فیلم جدید، علاوه بر کلاه قرمزی و پسر خاله، پسر عمه‌ها، گیگیلی و خواهر گیگیلی هم حاضر خواهند بود و دفتر ایرج طهماسب و حمید جبلی که همان دفتر مدرسی اینهاست، محل تردد بازیگرانی مثل محمدرضا هدایتی شده است.»

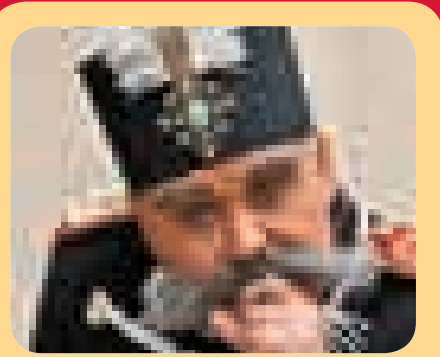
این منبع که اصرار داشت این خبر پیش خود ما بماند و تا قطعی شدن تولد آن این خبر را به کسی نگوئیم بدون توجه به دهن‌لقی ما پیش‌بینی کرد با توجه به استقبال ملت از برنامه نوروزی کلاه قرمزی، «بچه ننه» بتواند بوز اخراجی‌ها را بزند که واقعا لازم به پیش‌بینی نبود؛ ما خودمان هم این حدس را می‌زدیم. در پایان اینکه احتمال تکذیب این خبر مثل همه خبرهای دیگر می‌رود ولی شما از جایتان تکان نخورید تا ما خبرهای جدید این پروژه را از همین تریبون قلم شده، «طنز» یم و به سمع و نظر شما برسانیم ■



شکست آمیتا پاچان از یک فیلم جوانانه در بالیوود

دورهات گذشته بازیگر

شما جوان‌ها خودتان را دست کم نگیرید. اصلا وقتی جوان‌ها پدر میدان می‌گذارند بقیه باید بزنند تو گاراژ. نمونه‌اش خود ما که تا اینجا بقیه زده‌اند تو خاکی و حساب کار دستشان آمده. نمونه دیگرش در هند که همیشه خدا ما را سرلوحه خودش قرار می‌دهد. تا جوان‌ها وارد گود سینمای بالیوود شده‌اند، یک گولی به اسم آمیتا پاچان که کلی برای خودش کسی است، از دور خارج شده. این روزها در سینمای بالیوود فیلم «روایهای لندن» که سلمان خان و کلی جک و جوان‌های دیگر در آن شلتاق می‌زنند گیشه را ترکانده و ملت طوری به سینما هجوم آورده‌اند که بقیه فیلم‌ها: جمله «علاءالدین» که آمیتا پاچان در آن بازی می‌کند به خاک سیاه خلوتی گیشه نشسته و الان تو جدول اکران بالیوود، پنجم است. آمیتا پاچانی که تو هر فیلمی بود ترکاندنش ردخور نداشت، حالا باید به فکر بازنشستگی و تبدیل شدن به اسبی برای نوه‌هایش باشد. حکایت ما جوان‌ها هم همین است؛ بیاییم تو گود بقیه را کنار می‌زنیم. ■



دیدنی ارزشمند رانداشت

دیگر کسی در عالم بشریت نمانده که به ما ایمان نیاورده باشد و اگر هم کسی در دریای جهالت بود با این پیش‌بینی صحیحی که هفته قبل کردیم به ما ایمان آورده است. حتما یادتان هست که هفته قبل همین جا نوشتیم میان میراث فرهنگی و تلویزیونی‌ها شکر آب شده و بعد از اینکه از تلویزیون مستندی درباره تخریب آثار تاریخی پخش شد، میراثی‌ها هم عوامل سریال «سال‌های مشروطه» محمدرضا وری را از کاخ گلستان بیرون انداختند. همان جا حرف از دوستی‌ها و صلح و صفا زدیم و گفتیم این پاره‌آجرها و تخته‌سنگ‌های قدیمی ارزش مکرر شدن ندارند و به زودی دو طرف بعد از چند تا تلفن و برنامه حال بده و خوردن شام، کباب و گپ و گدعه با هم دوست می‌شوند و آثار تاریخی بار دیگر شاهد حضور پرشور برنامه‌سازان تلویزیونی خواهد شد که این اتفاق هفته قبل افتاد و بعد از چند تلفن و شام و ناهار که دو طرف به آن می‌گویند «درایت مسؤوآن مربوطه» این کدورت هم برطرف شد.

مسؤوآن کاخ گلستان هم درهای کاخ را باز کردند تا عوامل سریال سال‌های مشروطه برگردند و حالش را ببرند. واقعا دیدید؟ پند گرفتید؟ ما که به غیر از همدیگر کس دیگری را نداریم؛ پس باید با هم دوست و مهربان باشیم و لذتش را ببریم. ■

انفجارها و درگیری در پاکستان، سینماها را خلوت کرد

انفجار در تاریکی

در حالی که هر روز در یک بخش خبری، اعلام می‌شود که یک جاتوی پاکستان توسط بمب به هوا منتقل شده، خبرهای جدیدی هم از جاهای دیگر پاکستان به گوش می‌رسد. در همین حال آگاهان امور بمبی در پاکستان گفته‌اند با اینکه این کشور این روزها در امنیت کامل به سر می‌برد اما اقبال عمومی به سینما، مکان‌های تفریحی و رستوران‌ها به طرز عجیب و غیر معقولی کاهش یافته است. این در حالی است که همان آگاهان، معتقدند هیچ اتفاقی نیفتاده و فقط صدای چند ترقه بمب‌نما، کشورشان را زودگی فرستاده است. از آنجا که اصولا سینما رفتن چیز مهمی در زندگی بشری است و از آنجا تر (!) که وظیفه رویداد ایکسی مادر این دو صفحه به شدت دارد ما را فشار می‌دهد که در راستای اعتلای سینمای همه ملل در همه قرون و اعصار نقش تاریخی‌مان را بازی کنیم، چند راهکار برای رفع کاهش اقبال ملت به سینما اعلام می‌کنیم:

- سینما دارها بروند دم در خانه‌های مردم، مثل بچه آدم در بزنند و یک نسخه از فیلم روی پرده‌شان را تقدیم کنند. بر اساس نتایج آخرین سرشماری نفوس و مسکن به تعداد اعضای خانوار پول بلیتشان را بگیرند و بروند حالش را ببرند.
- مردم به جای لرزیدن توی خانه، لباس بیرونی بپوشند. آماده باش باشند و به محض انفجار، بروند بیرون و فیلم اسلشر و ترسناکشان را ببینند و برگردند خانه. سینما دارها هم سر صحنه، کلاه بچرخانند تا پول بلیتشان جور شود.
- خرابکارها قبل از هر انفجار، یک اعلام عمومی از زمان و مکان انفجار بکنند. بلیت‌ها را هم اینترنت‌تی پیش فروش کنند؛ هم خودشان حالش را ببرند و هم ملت.
- همان خرابکارها با همان اعلام عمومی مذکور، یک اعلام هم



بکنند که مثلا سینماها یک سانس فوق‌العاده فیلم «خراجی‌ها» یا «چار چنگولی» نمایش می‌دهند. بعد که ملت آمدند تا آمار فروش فیلم‌ها و رکور دسینما روهای پاکستانی را برتر بکنند، آنها هم خود سینما را برتر بکنند.

● آنجا که ملت می‌توانند شبکه تلویزیونی خصوصی راه بیندازند، مخ یک نفر هم کار کند و از انفجارها فیلم مستند بگیرد. بعد راه به راه فیلم‌هایش را بچپاند توی کنداکتور برنامه‌های شبکه‌اش. این جوری هم ملت به اندازه کافی دل و روده پاره شده می‌بینند و هم آن قدر این چیزها برایشان عادی می‌شود که با خیال راحت بروند سینما و فیلم‌ها هم فروش کنند. ■

مابقی اخبار هفته

گلزار ایز اکسپنسیو!

در حالی که آخر هفته قبل رادیو ایران به واسطه برنامه ویژه «گذر هفتم» درباره همشهری جوان طبق آمارهای مادر صدر پرشنونده‌ترین برنامه‌ها قرار گرفت و ایضا انعکاس وسیع سوژه تمشک هفته قبل به گزارش بیات نجف‌زاده، ارادت عمومی جامعه را به این خبرنگار صداسیما عیان کرد، روزنامه‌گاردین در گزارشی به بررسی دستمزد بازیگران ایرانی پرداخت و نوشت محمدرضا گلزار برای سه روز بازی در فیلم «دموکراسی در روز روشن» ۵۵ هزار پوند - حدود ۱۰۰ میلیون تومان - گرفته است. اما از سویی در حالی که یکشنبه (۱۷ آبان) به جای خبر ۲۰:۳۰، «شب به خیر کوچولو» روی آنتن شبکه دو رفت، آگاهان با اشاره به اینکه این تازه اولین تغییرات دوره ضرغامی است، تاکید کردند البته این دو برنامه، فرق چندانی هم با هم نداشتند. از سویی دیگر مراسم تقدیر از عوامل سازنده سریال «تردبام آسمان» با حضور رئیس رسانه ملی و بدون حضور بازیگران اصلی به خوبی و خوشی برگزار شد. در پایان با اشاره به اینکه این روزها تردد حضرت قابض الاروح در حوالی اهالی هنر بیشتر شده، از همه آنهایی که به نوعی از مالدخوری دارند تقاضای بخشش کرده و متقابلا ما هم آنها را می‌بخشیم. خیالتان از سمت ما تخت باشد. ■

احسان ناظم بکایی



نشریه گاردین نوشت: «محمدرضا گلزار برای سه روز بازی در یک فیلم ۵۵ هزار پوند دستمزد می‌گیرد»



حمله به انزلی

هواپیماهای شوروی به بندر انزلی حمله کرده‌اند. یکی یکی می‌آیند و چند تا چند تا بمب می‌اندازند تا پایگاه نیروی دریایی ایران برود روی هوا. ساختمان‌ها پشت‌سر هم می‌ترکند و سربازها یکی یکی به شهادت می‌رسند؛ یکی روی اسکله، یکی روی بام ساختمان و یکی پشت ضدهوایی. سکناس حمله هواپیماهای شوروی به ایران، «در چشم باد» این هفته را حساسی هیجان‌انگیز و تاثیرگذار کرده بود. جور کردن آن هواپیماهای قدیمی، جلوه‌های ویژه عالی، صحنه‌های شهادت اسد و سربازان ایرانی و حتی ترس فرمانده‌شان، حساسی لایق گوی طلایی بود و ما را یاد فیلم‌های پرخرج هالیوودی مثل «پرل هاربر» و «نجات سرباز رایان» انداخت؛ هر چند که ریتم کند سریال، هنوز تمشک‌خور است.

زمینی‌ها پولشان را چی کار می‌کنند

وسط «مسافران»، طبق معمول نوبت به پخش آگهی می‌رسد اما آگهی هم که آگهی یک بانک است، کپی ایده خود سریال است که فرتی به فضا گزارش می‌دهند. یک نفر نشسته و دارد توی هوا تایپ می‌کند؛ «در اینجا زمینی‌ها پولشان را به این بانک می‌دهند». کپی کاری از سریال «پنجمین خورشید» و بقیه نمونه‌های دیگر گرم بود، این یکی هم اضافه شد. حالا خوب است مسافران همچین سریال فراگیری نیست.

احترام روی نیمکت

پسری کنار پدر پیرش روی نیمکت نشسته است. پدر پیر می‌پرسد: «این چیه؟» و پسر بعد از چند بار جواب دادن که «این گنجشکه» کلافه می‌شود و از کوره در می‌رود. یک دفعه پدر پیر از جایش بلند می‌شود و از قاب دوربین بیرون می‌رود و بعد با یک دفترچه چه برمی‌گردد؛ دفترچه‌ها خاخرات خودش در زمان کودکی پسر؛ «امروز پسر ۲۱ بار از من پرسید این چیه و هر دفعه با خنده به‌اش گفتم گنجشکه!». پسر گریه‌اش می‌گیرد... این تیزر اخلاقی با اینکه از روی نمونه خارجی کپی نعل به نعل شده ولی آن قدر خوش ساخت و تاثیرگذار هست که آدم نمی‌تواند یک گوی را از آن دریغ کند.

فوتبال سطح اول کلاس دنیا

مهدی روشن: پیشنهاد می‌کنم که در هر هفته، یک بازی به جواد خیابانی بدهند تا تمشک‌هایمان حرام نشود. او اول هفته قبل، بازی نوجوانان ایران و اروگوئه را گزارش کرد و سه روز بعد، بازی منچستر و چلسی را. تمشک اولش که به خاطر یاس و ناامیدی در نیمه دوم وقت‌های اضافه بود، وقتی که تیم نوجوانان هنوز ۱۵ دقیقه وقت داشت و جواد خیابانی از حذف تیم حرف می‌زد؛ «این تیم خیلی خوبی بود»، «بچه‌ها تلاششون رو کردن»، «ما خیلی خوب بودیم» اما تمشک به خاطر هیجان بیش از حد استاد از بازی منچستر و چلسی بود. او هیجان زده شده بود و این جمله‌ها را به کار می‌برد؛ «این یک فوتبال زیباست در سطح اول کلاس دنیا» و «وقتی چلسی یک بازی در آخرین سطح کیفیت به نمایش می‌گذارد...» و آخرش هم معلوم نکرد که سطح اول کلاس دنیا کجاست.